

که شاید موحدش تر از دیکتاتوری فردی بشود بویژه در صورتیکه این حزب بتوسط طبقه خاکمه و اعضای مجلس ایجاد شود. آنچه امروزه بدان احتیاج داریم ثابت شدن در يك عقیده ملی است، این کار، کار یکروز و دو روز نیست و با جبر و زور هم نمیتوان صورت داد.....

راه دموکراسی بس دراز و نا هموار است. دموکراسی در ظرف يك روز و دو روز ساخته نمیشود بلکه چندین دوره و نسل لازم دارد و حال آن که يك دیکتاتور مثل موجی ظاهر و دوباره ناپدید میشود لیکن تاریخ نشان میدهد که ملل متمدن حقیقی و منتهائی که بارزش بشر و ترقی آگاهند آنهائی هستند که طی قرن‌ها تحول دموکراسی را دنبال کرده اند.

تنها اینگونه ملل در برابر طوفان جنک ایستادگی کرده و عاقبت پیروز شده اند در ایران هم ما يك کار تربیتی داریم و يك کار تشکیلاتی باید انجام دهیم و برای اینکه آینده این کشور در دست خودش باشد باید ایران را بصورت يك کشور دموکراسی حقیقی در آوریم این کار باندازه ای دشوار است که از عهده يك نسل بیرون است اما شروع این کار وظیفه نسل ما است و برای شروع این کار نباید اجازه داد که يك حزب واحد تشکیل شود و تمایلات آزادیخواهانه ایران را خفه نماید.

(نقل از شماره ۴۲ سال اول روز نامه «رستاخیز» - طهران)

شالاسابق

يك ميليارد تومان در بانکهای خارجه دارد

موضوع وجوهیکه شاه سابق در بانکهای بیگانه دارد مسکوت و لاینحل مانده. معذک مطلب بقدری مهم است که شایسته بود افکار عمومی و جراید بیشتر در این باره مو شکافی کنند. چهارده سال پیش نگارنده در یکی از مجلات مالی انگلیسی زبان خواندم که شاه سابق را جزو بزرگترین ثروتمندان جهان نامبرده و مبنای این ادعا را مبلغ هنگفتی که مشار الیه در بانکهای امریکا دارد قرار داده بود.

مجله مزبور در آنزمان (چهارده سال پیش) این مبلغ را به شصت و دو میلیون دلار تخمین میزده بعدها مبالغ گزاف دیگری باین مبلغ افزوده شد. میدانیم که حرص تصرف و غصب اموال مردم بعد از آن تاریخ

آغاز گشت و املاک «خریداری» عواید سرشاری می‌آورد. عراید املاک سلطنتی در سال آخر ۱۳۲۰ بقرار بر آورد خبر گانت بسالی هفتاد میلیون بالغ میگشت. یکی از مطلعين که از طرف وزارت کشاورزی در آن اوان در املاک شاهی مازندران کار میکرد اظهار میدارد که عواید حاصله از فروش هرم محصولی در يك بانك جدا گانه بيگانه گذاشته ميشد - مثلا عواید فروش روغن و لبنیات در يك بانك - عواید فروش برنج در يك بانك ديگر و گندم در بانك ديگر و قس عليهذا و الخ ..

هفتاد میلیون تومان حد متوسط عایدات املاک در سنوات اخيره بود . با در نظر گرفتن طرز خرید املاک از این مبلغ هر ساله و چنانچه چیزی که از سه الی چهار میلیون تومان تجاوز نمیکرد صرف خرید املاک جدید و جواهرات و مستغلات و غیره میگشت (متخارج ساختمان های قصرها و مستغلات شهری را چنانکه میدا نیم شهرداری و یا دوائر مختلفه وزارت جنگ متعهد بودند) و بقیه راه بانك های بیگانه را پیش میگرفت . برای اینکه برای صدور و خروج این سرمایه های هنگفت اشکالی وجود نداشته باشد شاه سابق همیشه ساعی بود رؤسای کل بانك ملی و کمیسیون های ارزاز قره نوکهای محل اطمینان یا تازه بدوران رسیدهائی که برای جاه و جلال آماده بهر کاری باشند انتخاب شوند .

باین طریق با استفاده از محدودیت هائی که برای دیگران وجود داشت سرمایه های مزبور که در سال به شصت میلیون تومان یا قریب بیست و پنج میلیون دو لار بالغ می گشت بدون اینکه اثری در دفاتر بانك و کمیسیون ارز باقی بگذارد با شکل مختلفه از ایران صادر و در بانکهای خارجه بویژه امریکا سپرده میشد .

عده ای معتقدند که یکی از علل محاکمه و محکومیت و برکنار کردن دکتر لیندنبلات و همکارانش هم این بود که دست شاه برای صادر کردن پول باز باشد و نامحرم بی باسرا ر مگو نبرد . از قرار مسموع بابت حق العمل خرید کارخانه ذوب آهن هم مبلغ گزافی از اروپا اخذ شد که در بانك دولتی آلمان سپرده شده است . باین طریق شاه سابق در ظرف ده سال آخر سلطنتش علاوه بر شصت میلیون دو لار که چهارده سال پیش داشته است در حدود سیصد میلیون دو لار بیانکهای خارجی انتقال داده است که با مبلغ فوق الذکر سابق سیصد و شصت میلیون دو لار امریکائی و یا قریب يك میلیارد تومان میشود .

شاه سابق در حین فرار از ایران در یزد از پسر هراتی معروف پرسیده بود « آیا دارائیت به پانصد میلیون رسیده است؟ »

(البته مقصود او دو لار بود . زیرا تومان در نظرش جلوه ای نداشت) از فحوای کلام او چنین بر میآید که پانصد میلیون هدفی بود که رضاخان برای خود تعیین کرده و از عدم وصول بدان میزان متأسف بود و میخواست ببیند آیا کسی دیگر از ایرانیان بآن هدف رسیده است یا خیر. باری این يك میلیارد تومان مطابق صلح نامه متعلق بدولت ایران است .

با سیصد و شصت ملیون دلار میتوان تمام خطوط آهن قریب ایران را کشید. میتوان قسمت اعظم اراضی مالکین را خرید و بزارعین تقسیم کرد و با وضع قوانین لازم سرمایه‌های جدید را بسوی هدف صنعتی کردن کشور متوجه نمود. میتوان و میتوان خیلی کار کرد.

فقط برای وصول آن نخست باید ملت حاکم بر سر نوشت خود باشد و يك پارلمان و دولت ملی داشته باشیم.

(نقل از «داد» شماره ۲۵۵ که از روزنامه «آزیر» نقل کرده است)

پایمخ در بار بشایعات

پادداشت اداره

حقیقت امر اینست که ما دارائی نقدی اعلی حضرت سابق را خیلی بیش از اینها تصور می‌کردیم شرحی که از طرف دربار به نخست وزیر راجع بشایعات فوق نوشته شده و ذیلا از روزنامه اطلاعات نقل می‌کنیم بیشتر معلوم مبادارد که چگونه بمثل معروف «یک کلاغ چل کلاغ» میشود. (آینده)

رو نوشت نامه صادر بنخست وزیر

این نامه از طرف وزارت دربار شاهنشاهی برای آقای نخست وزیر

فرستاده شده است:

جناب آقای نخست وزیر

اخیراً انتشارات و گفتگوهای در موضوع جواهرات سلطنتی و سپرد های اعلی حضرت فقید رضا شاه پهلوی در بانک های خارج شیوع دارد که از نظر روشن شدن اذهان عموم لازم میدانم خاطر نشان نماید که در موقع تصدی نخست وزیر مرحوم فروغی در این خصوص از مقامات صلاحیت دار داخلی و خارجی تحقیق بعمل آمده بود و در نتیجه معلوم نگردید که از اعلی حضرت شاهنشاه فقید (غیر از اموال منقول و غیر منقولی که در ایران مالک بوده و در تاریخ ۲۸ شهریور و ۴ مهر ماه ۱۳۲۰ کلیه اموال خود را با اعلی حضرت همایون شاهنشاه محمد رضا شاه پهلوی انتقال داده اند) در بانکهای خارجه سپرده ای موجود بوده باشد حتی اعلی حضرت فقید برای تأمین هزینه زندگالی خود در جنوب افریقا نیز از ایران وجه میخواستند و برای اعلی حضرت معظم لها برات میشد.

اینک بر حسب امر مبارک ابلاغ مینماید که جنابعالی رسماً مأموریت دارید برای کشف کامل قضیه مجدداً تحقیقات و کنجکاویهایی لازم نزد مقامات صلاحیت دار و مطلع بعمل آورده و در بار شاهنشاهی را از نتیجه در اسرع وقت مستحضر فرمائید زیرا چنانچه در موقع انتقال اموال منقول و غیر منقول به اعلی حضرت همایون شاهنشاهی در بانک های خارج وجهی موجود بوده باشد چون طبق سند انتقال نامه با اعلی حضرت همایون شاهنشاهی تعلق دارد باید عیناً بایران منتقل گردد.

(نقل از روزنامه «اطلاعات» تهران)

بآذربایجان

مزا مهر تبریزیان بر دل است
 بود کشور آذر آبادگان (۱)

 اگر خاک پاک تو ویران شود
 که ایران بود جسم و جانش توئی
 همه چشم ایران بود سوی تو
 توئی حافظ پرچم کاویان
 بچشم بدت هر که دارد نظر
 همی خواهم از کردگار جهان
 (نق از جریده «وظیفه» - تهران)

گسستن دل از مهرشان مشکست
 مکان دلیران و آزادگان

 چها بر سر خاک ایران شود؟
 بر این سز زمین دیدگانش توئی
 میادا پریشان شود موی تو
 نگهدار اورنگ و تاج کیان
 بجای تو بادا بجانش شرر
 که جاوید باد آذر آبادگان
 علی رضا منصوری

قابل توجه نویسندگان مجله آینده

همچنانکه گفته اند «شرف المکان بالمکین» عزت و اهمیت هر مقاله نیز بصاحب و کیفیت آنست نه بمکانی که در آن قرار گرفته است. اگر ما مقاله سست و شعر نادرستی را در صدر مجله نشانندیم یا بر عکس قصیده غرا و نگارش شیوائی را در آخر آن جای دادیم اثری از خوب و بد بر آن مقاله و شعر نخواهد داشت. برای اینکه «دمو کراسی ادبیات» را در مجله خود حکم فرما کنیم مخصوصاً بعضی مقالات مهم را باخر مجله می اندازیم. چون مجله آینده در درجه اول یک مجله سیاسی میباشد ما عادتاً یک مبحث سیاسی را سر مقاله قرار میدهیم. در سایر قسمتها برای رعایت تنوع، مندرجات را به تناسب تفصیل یا اختصار، هم آهنگی مطالب نظم باش و غیره، تنظیم مینه ایم و هیچ نظر دیگر نداریم. دیر یا زود چاپ شدن مقالات یا تقسیم آنها بدو شماره نیز مربوط به همین نظر هاست و از نویسندگان محترم که همه با نظر لطف و بدون هیچ عوض با مجله آینده شرکت قلمی و خوانندگان را از آثار خود محظوظ میفرمایند خواهش داریم هیچ وقت از دیر و زود یا پاتین و بالا چاپ شدن آثار خود غباری بر خاطر راه ندهند. مثلاً در همین شماره مقاله شیرینی بقلم دوست دانشمند من آقای صالح و زبرداد گستری راجع به «وزیر گیج کنها» رسیده که گرچه مثل سایر نگارندهای ایشان مختصر ولی مفید است در آخر مجله چاپ میشود آیا چیزی از مقام شخص بزرگوار ایشان یا مقاله خوبی که نگاشته اند کاسته میشود؟ چه نیکو گفت شاعری که گفت:

(شاخ گل هر جا که میروید گل است)

(۵۱۰۵)

(۱) کشور عمو ما به یک مملکت گفته میشود و آذربایجان قسمتی از کشور ایران است. (آینده)